



## بررسی اثر سیاست‌های ارزی بر شاخص‌های حمایت از زیربخش‌های کشاورزی ایران

سیدصفدر حسینی<sup>۱</sup>، الهام مهرپرور حسینی<sup>۲\*</sup>

۱- استاد اقتصاد کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

۲- کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

ایمیل نویسنده مسئول: mehrparvar@ut.ac.ir

### چکیده

لازمه شکل‌گیری یک بخش توانمند کشاورزی، اجرای سیاست‌های حمایتی مناسب است که بدون وجود تصویری از ساختار حمایت‌های موجود امکان‌پذیر نیست. از این رو در این مقاله، شاخص‌های برآورد حمایت از تولیدکنندگان (PSE) و مصرف‌کنندگان (CSE) و شاخص برآورد حمایت کل (TSE) از بخش کشاورزی و زیربخش‌های آن با استفاده از نرخ‌های ارز حقیقی و تعادلی و اثر انحراف نرخ ارز بر آنها برای سال‌های ۹۰-۱۳۶۰ محاسبه و برای برنامه پنجم توسعه پیش‌بینی شد. براساس نتایج، مقدار حمایت‌ها به فروض جایگزین نرخ ارز، سیاست‌های قیمتی و بودجه‌ای دولت حساس است و با توجه به تغییر مداوم سیاست‌ها با نوسان زیادی روبه‌روست. به طوری که در دوره جنگ با بیش‌برآورد ارزش ریال، تولیدکنندگان ۱۴/۴ درصد حمایت شدند، درحالی‌که در برنامه چهارم با کم‌برآورد ارزش ریال ۱۰/۳- درصد مالیات پنهان پرداختند که علامت شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان برعکس تولیدکنندگان بود. شاخص حمایت کل از زیربخش‌های زراعت و دامپروری در همه دوره‌ها مثبت و در زیربخش ارزآور باغبانی در بیشتر سال‌ها منفی بود. پیشنهاد می‌شود، ترکیب سیاست‌های ارزی و بخشی با افزایش رقابت‌پذیری جهانی، حمایت‌کننده تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی باشد.

**کلمات کلیدی:** شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده، شاخص برآورد حمایت از مصرف‌کننده، شاخص برآورد حمایت کل، انحراف نرخ ارز، زیربخش‌های کشاورزی.



## مقدمه

بسیاری از کارشناسان، حمایت از بخش کشاورزی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند که تحقق آن منافع همه بخش‌های جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۸۴)، حسینی (۱۳۸۵)). سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی به دلیل اهمیت و جایگاه منحصر به فرد این بخش در قالب کارکردهای متداول آن همچون تأمین مواد غذایی و مواد خام صنایع، صادرات، ارزآوری و اشتغال از مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به شمار می‌روند (مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴). برای اجرای هر سیاست کشاورزی ابتدا به یک محرک مانند ناکارایی یا شکست در بازار محصول یا نهاده نیاز است. سیاست‌گذاران پس از تعریف مسئله یا همان محرک، هدف‌های کیفی را به منظور پاسخ به آن مشخص می‌کنند. از جمله این هدف‌ها می‌توان به رشد و توسعه بخش کشاورزی، توزیع درآمد، کارایی اقتصادی و تثبیت قیمت‌ها و درآمدها اشاره کرد. در مرحله دوم، برای رسیدن به هدف‌های کیفی، برنامه‌ریزی می‌شود و این هدف‌ها از حالت کیفی به صورت کمی، قابل اندازه‌گیری، مشخص و متقن درمی‌آید. در نهایت با توجه به هدف‌های کمی، ابزارهای سیاستی لازم طراحی و به کار گرفته می‌شوند. پس از اجرای هر سیاست، اندازه‌گیری درجه اثربخشی آن در رسیدن به اهداف، ضروری است (حسینی، ۱۳۸۵).

کارکرد و پیامد سیاست‌های کشاورزی، از مجموعه سیاست‌های فرابخشی یا کلان از جمله سیاست‌های ارزی دولت متأثر است. به طور کلی، سیاست‌های ارزی و تغییرات نرخ ارز به دو صورت، حمایت از بخش کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تغییرات نرخ ارز از یک سو موجب انحراف قیمت‌های کشاورزی می‌شود که این انحرافات قیمتی به افزایش (کاهش) حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان داخلی منجر خواهد شد. از سوی دیگر، تغییرات نرخ ارز موجب می‌شود پرداخت‌های مستقیم به کشاورزان همچون کمک‌های سرمایه‌ای دولت، یارانه نهاده‌ها و سایر انتقال‌ها از هزینه‌های دولت به کشاورزان و در مجموع، پرداخت‌های بودجه‌ای به تولیدکنندگان تحت تأثیر قرار گیرد (جاسلینگ و والدز، ۲۰۰۳). بنابراین، سیاست‌های بخشی کشاورزی و ارزی که جدا از هم و اغلب از سوی نهادهای متفاوتی طراحی شده‌اند و مجریان متفاوتی نیز دارند، ممکن است هم‌افزا بوده یا جهت متفاوتی داشته باشند که سیاست‌گذاران کشاورزی باید از کم و کیف این تأثیر آگاه شوند.

هدف اصلی این مقاله، اندازه‌گیری، حمایت‌های دولت از بخش‌های تولید و مصرف کشاورزی به منظور تدوین راه‌گزین‌های مناسب برای راهبرد توسعه کشاورزی ایران است. در این زمینه، از روش‌شناسی کاربردی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی — با تعدیل‌های لازم برای شرایط ایران — استفاده می‌شود. برای این منظور، شاخص‌های PSE و CSE در تولید و مصرف زیر بخش‌های زراعت، باغبانی و دام و طیور، با تأکید بر اثرگذاری نرخ ارز و سیاست‌های ارزی بر مقادیر حمایت، محاسبه می‌شود. همچنین، حمایت‌ها از خدمات عمومی (GSSE) و کل حمایت‌ها از بخش کشاورزی (TSE) در سال‌های ۹۰-۱۳۶۰ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در برنامه پنجم توسعه پیش‌بینی می‌شود.



## پیشینه تحقیق

در این بخش مروری بر پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی پیرامون حمایت‌های گوناگون از بخش کشاورزی، شامل حمایت از تولیدکننده، مصرف‌کننده، حمایت از خدمات عمومی بخش کشاورزی و حمایت کل از بخش کشاورزی، صورت پذیرفته است. براساس بررسی لایفرت و همکاران (۱۹۹۶) اگر در محاسبه شاخص‌های حمایت از بخش کشاورزی به جای نرخ ارز رسمی، از نرخ ارز تعدیل شده استفاده شود، برآورد حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی برای روسیه در سال ۱۹۹۴ از رقمی منفی به رقمی مثبت تغییر پیدا میکند. گوپیناث و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهشی به بررسی حمایت داخلی از کشاورزی در اتحادیه اروپا و آمریکا پرداختند. براساس نتایج، شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) برای اتحادیه اروپا بیش از دو برابر مقدار این شاخص برای آمریکا است. چنگو اردن (۲۰۰۵) با بررسی اثر انحراف نرخ ارز از مقدار تعادلی آن بر شاخص‌های حمایت از بخش کشاورزی در هند و چین، برای دوره ۲۰۰۲-۱۹۷۰ نشان دادند انحراف نرخ ارز از مقدار واقعیت تعادلی بر MPS و PSE محصولات اثر گذاشته و موجب تقویت و یا خنثی کردن سیاست‌های بخشی شده است. به طوری که در سال‌های اخیر در چین بر خلاف هند، اثرات غیرمستقیم به دلیل کم برآورد شدن نرخ ارز بزرگ و برجسته هستند. حسینی درویشانی (۱۳۸۲) سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی ایران را در دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۰ بررسی کرد که شاخص حمایت کل برای بخش کشاورزی ایران در سال ۱۳۸۰ در حدود ۰/۵ درصد برآورد شد. برقندان و نجفی (۱۳۸۹) پس از برآورد نرخ ارز تعادلی، نشان دادند انحراف نرخ ارز، شاخص حمایت از تولیدکننده محصولات گندم، جو، ذرت، برنج، و خرما را برای سال‌های ۸۵-۱۳۸۱ کمتر از مقدار واقعی آن برآورد می‌کند.

از دیگر پژوهش‌های انجام پذیرفته در زمینه حمایت از بخش کشاورزی با استفاده از شاخص‌های PSE و CSE در خارج و داخل کشور می‌توان به پرتغال (۲۰۰۲)، اردن و همکاران (۲۰۰۴)، سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (۲۰۰۷)، کواشا و همکاران (۲۰۰۶)، کوانسکی و تانگرن (۲۰۰۷)، قانع شیرازی (۱۳۸۵)، واعظی و یزدانی (۱۳۸۵)، کیانی راد (۱۳۸۶)، پرینز و بخشوده (۱۳۸۷)، اتقایی (۱۳۸۹) و حسینی و ترشیزی (۲۰۱۱) اشاره کرد. با وجود این که روش‌شناسی این پژوهش‌ها، به ویژه در سال‌های اخیر، بر روش‌شناسی OECD منطبق بوده است، تاکنون پژوهش‌های جامع در این زمینه انجام پذیرفته است. به طوری که اغلب پژوهش‌ها به محصولات یا زیربخش‌های خاصی محدود می‌شوند یا تنها جنبه خاصی از مسائل را در نظر می‌گیرند. در محاسبات این مقاله، مواردی از جمله، اثر انحراف نرخ ارز، تفاوت مصرف نهاده‌ها و عملکرد محصولات دیم و آبی و منابع مختلف مصرف انرژی (برق و گازوئیل) برای استحصال آب در نظر گرفته شده است. بازه زمانی این مقاله نیز بیش از مطالعات دیگر است و حمایت از همه زیربخش‌های کشاورزی را در دوره جنگ و برنامه‌های اول تا چهارم توسعه دربردارد.

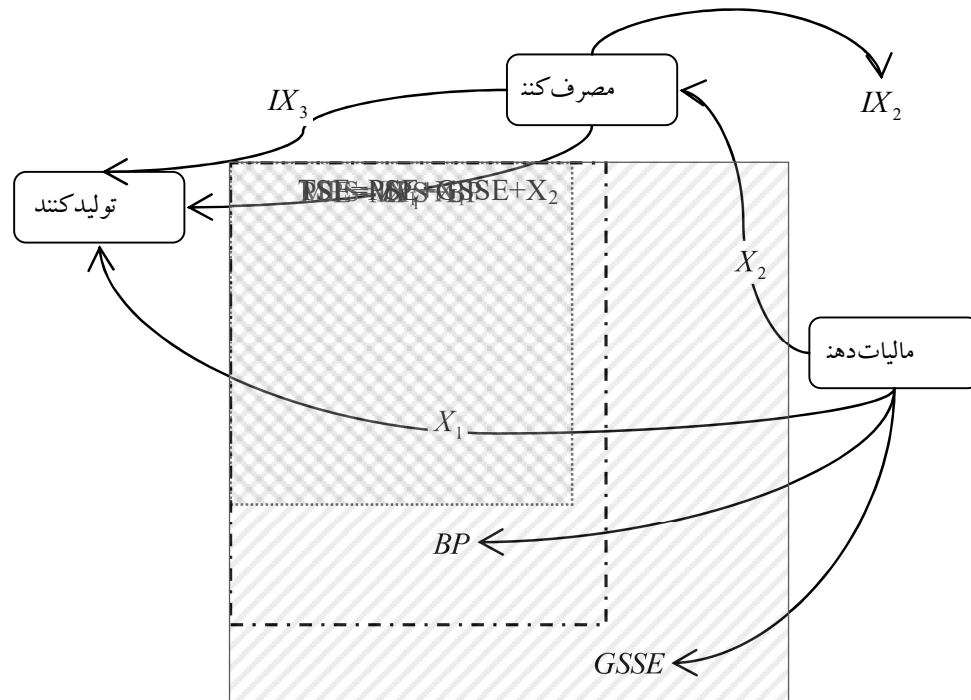


## فرضیه‌ها و سؤال‌های تحقیق

به منظور دستیابی به هدف‌های پیش گفته، این تحقیق به شکلی سازماندهی می‌شود که به این پرسش‌ها پاسخ دهد که حمایت از تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و کل بخش کشاورزی بر مبنای راه‌گزین‌های نرخ ارز مؤثر و نرخ ارز تعادلیچه اندازه است؟ و روند حمایت از خدمات بخش عمومی کشاورزی در طی برنامه‌های توسعه اقتصادی چگونه بوده است؟ بر پایه نتایج پژوهش‌های انجام پذیرفته و نیز با توجه به رویکردهای سیاست‌گذاران، انتظار می‌رود، نتایج این پژوهش نشان‌دهنده افزایش حمایت از بخش تولید و مصرف کشاورزی بر مبنای سیاست‌های ارزی (نرخ ارز حقیقی و تعادلی) در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه باشد.

### روش‌شناسی

باید توجه داشت که انجام هر پژوهشی، نیازمند به‌کارگیری یک روش علمی است. به منظور برآورد و تحلیل حمایت‌ها، در ادبیات اقتصادی، روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است. روش سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) که از سال ۱۹۸۷ ارائه شده است، مبتنی بر برآورد چند شاخص حمایت است، به طوری که این اعداد هم بین کشورهای مختلف و هم در طول زمان مقایسه‌پذیر باشند. از آنجا که این روش هر ساله توسط کشورهای عضو این سازمان و بسیاری از کشورهای غیرعضو به‌کار گرفته می‌شود، می‌توان آن را تکامل‌یافته‌ترین روش ارزیابی سیاست‌های حمایتی دانست (OECD، ۲۰۰۷) که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.



#### نمودار (۱) الگوی شماتیک چگونگی تعیین کل حمایت از بخش کشاورزی

شاخص کل حمایت از بخش کشاورزی (TSE) بیانگر ارزش پولی سالانه همه انتقال‌های ناخالص از مالیات دهندگان، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است که در پی اجرای سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی بدون توجه به هدف‌ها و اثرهای آن بر درآمد و تولید کشاورزان و مصرف تولیدات کشاورزی — پرداخت می‌شود. نمودار (۱) چگونگی تعیین حمایت کل از بخش کشاورزی را با توجه به جریان‌های پرداختی بین گروه‌های مختلف نشان می‌دهد که در این نمودار، TSE شاخص برآورد کل حمایت از بخش کشاورزی؛ PSE شاخص برآورد حمایت از تولیدکنندگان؛ GSSE شاخص برآورد حمایت از خدمات عمومی؛ MPS حمایت از قیمت بازاری؛ BP پرداخت‌های بودجه‌ای به تولیدکنندگان (انتقال‌های غیرقیمتی)؛  $IX_1$  انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان؛  $IX_2$  انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان (دولت)؛  $IX_3$  انتقال‌های قیمتی از تولیدکنندگان کالاهای دامی به تولیدکنندگان محصولات زراعی (مخارج اضافی خوراک دام)؛  $X_1$  انتقال‌های قیمتی از مالیات دهندگان (دولت) به تولیدکنندگان و  $X_2$  انتقال‌های بودجه‌ای از مالیات دهندگان (دولت) به مصرف‌کنندگان است که در ادامه روش محاسبه مهم‌ترین اجزای آن یعنی PSE، CSE و GSSE که از اهداف این مقاله است تشریح می‌شود.

محاسبه PSE یعنی مقدار حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی، به دو صورت مقداری و درصدی انجام می‌شود و انواع سیاست‌ها در آن به هشت جزء طبقه‌بندی می‌شوند. اولین طبقه یا دسته، حمایت از قیمت



بازاری<sup>۱</sup> (MPS) محصولات است که بر اساس اختلاف قیمت داخلی محصول و قیمت معادل جهانی آن محاسبه می‌شود. هفت دسته دیگر تحت عنوان پرداخت‌های بودجه‌ای<sup>۲</sup> (BP) هستند که سایر پرداخت‌های مستقیم و غیر مستقیم دولت به کشاورزان را شامل می‌شود (OECD، ۲۰۰۷). معیارهای ارزشی و درصدی حمایت از تولیدکنندگان هر یک از محصولات کشاورزی به ترتیب از روابط (۱) و (۲) بدست می‌آید (چنگ، ۲۰۰۵).

$$PSE_i = MPS_i + BP_i \quad (1)$$

$$\%PSE_i = \left( \frac{PSE_i}{VOP_i} \right) \times 100 \quad (2)$$

که در آن PSE، حمایت از تولیدکنندگان، MPS، حمایت بازاری از تولیدکنندگان و BP، حمایت بودجه‌ای از محصول i و VOP ارزش تولید آن در قیمت‌های جهانی تعدیل شده است.

برای محاسبه حمایت از قیمت بازاری، با فرض رقابتی بودن بازارها و یک کشور کوچک در تجارت جهانی، قیمت داخلی در سر مزرعه یک محصول  $P_d$ ، با قیمت مرجع تعدیل شده،  $P_m$ ، مقایسه می‌شوند. نحوه محاسبه و تعدیل  $P_m$  برای محصولات وارداتی و صادراتی به ترتیب در روابط (۳) و (۴) بیان شده است.

$$P_m = P_r \times Q_{adj} + \quad (3) \quad \text{برای محصولات وارداتی}$$

$$P_m = P_r \times Q_{adj} - \quad (4) \quad \text{برای محصولات صادراتی}$$

که در آن،  $P_r$  قیمت مرجع در سرمرز،  $C_p$  هزینه‌های مرزی (انواع هزینه‌های گمرکی و غیرگمرکی در سرمرز به غیر از تعرفه‌ها و هزینه‌هایی که از سیاست‌های تجاری ناشی می‌شوند)،  $T_{d1}$  همه‌ی هزینه‌های بارگیری، حمل‌ونقل، تخلیه، نگهداری و بازاریابی کالای وارداتی از سرمرز تا سرمزرعه،  $M$  همه‌ی هزینه‌های فراوری و بازاریابی کالای داخلی از مزرعه تا سرمرز،  $Q_{adj}$  ضریب تعدیل تفاوت‌های کالایی<sup>۳</sup> است (OECD، ۲۰۰۷). بنابراین، حمایت از قیمت بازاری ( $MPS_i$ ) در سطح مزرعه برای محصول (i) به صورت روابط (۵) و (۶) محاسبه می‌شود که در آنها،  $P_i^d$  قیمت تولیدکننده کالای i،  $P_i^{ar}$ : قیمت مرجع تعدیل شده آن  $Q_i$  مقدار کالای i می‌باشد.

$$MPS_i = (P_i^d - P_i^{ar}) \times Q_i \quad (5)$$

$$\%MPS_j = \left( \frac{P_j^d - P_j^{ar}}{P_j^{ar}} \right) \times 100 \quad (6)$$

پرداخت‌های بودجه‌ای دولت (BP) به تولیدکنندگان، بخش دیگر شاخص حمایت از تولیدکنندگان است. براساس روش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، پرداخت‌های بودجه‌ای به هفت دسته تقسیم می‌شوند: الف) بر

<sup>1</sup>- Market Price Support

<sup>2</sup>- Budget payments

<sup>۳</sup> این ضریب دلالت بر تفاوت‌های کالایی می‌کند و هنگامی که بزرگ تر از صفر باشد، به این معنی است که کیفیت کالای داخل نا مطلوب تر از کالای تجاری (وارداتی یا صادراتی) است.



اساس مقدار محصول، ب) بر اساس سطح زیر کشت یا تعداد دام، ج) بر اساس سابقه مشارکت در برنامه‌های کشاورزی، د) بر اساس استفاده از نهاده‌های یارانه‌ای) به منظور محدود کردن استفاده از نهاده‌های خاص، و) بر اساس درآمد کلی کشاورزان و) دیگر پرداخت‌ها(OECD، ۲۰۰۷). پرداخت‌های بودجه‌ای ایران مبتنی بر روش OECD اندک است و حمایت غیرقیمتی از کشاورزان بیشتر به صورت دخالت در بازار نهاده‌ها انجام می‌پذیرد، به طوری که هزینه خرید انواع کود و سموم شیمیایی، خوراک دام و سوخت برای کشاورزان ایرانی در مقایسه با رقبای جهانی و تولیدکنندگان سایر بخش‌های اقتصاد کاهش یابد. برای مثال، حمایت‌های دولت در زمینه اعطای تسهیلات بانکی به شکل تفاوت نرخ سود تسهیلات کشاورزی با میانگین موزون نرخ سود سایر بخش‌های اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. روش کلی محاسبه حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان در رابطه (۷) ارائه شده است.

$$P_i' = (P_M - P_D) \times Q_C \quad (7)$$

که در آن،  $BP_i$  حمایت از نهاده‌های کشاورزی،  $PM$  قیمت مرجع تعدیل‌شده نهاده یا قیمت آن برای سایر بخش‌های اقتصادی،  $PD$  قیمت یارانه‌ای نهاده،  $QC$  مقدار مصرف نهاده است. سهم هر محصول از کل نهاده مصرفی بر اساس مقدار مصرف نهاده در هر هکتار و سطح زیر کشت محصول در کشور محاسبه می‌شود.

شاخص برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان همه سیاست‌های حمایت از قیمت بازار محصولات کشاورزی یارانه‌های مصرفی که دولت برای جبران مالیات تحمیل‌شده بر مصرف‌کنندگان بر اثر تغییر قیمت کالاها و کشاورزی می‌پردازد، در برمی‌گیرد(OECD، ۲۰۰۲). مقدار ارزشی و درصد CSE برای هر محصول از رابطه‌های (۸) و (۹) حاصل می‌شود:

$$CSE_i = BP_i - (P_i^d - P_i^{ar}) \times Q_i \quad (8)$$

$$\%CSE = \left( \frac{CSE_i}{VOP_i} \right) \times 100 \quad (9)$$

که در آنها،  $Q_i$  مقدار مصرف کالای  $i$ ،  $P_i^d$  قیمت داخلی (سرمزرعه) کالای  $i$ ،  $P_i^{ar}$  قیمت مرجع کالای  $i$ ،  $BP_i$  مقدار یارانه مصرفی و حمایت‌های بودجه‌ای دولت از کالای  $i$  و  $VOP_i$  ارزش مصرف محصول بر حسب قیمت جهانی تعدیل‌شده می‌باشد.

حمایت از خدمات عمومی در بخش کشاورزی ( $GSSE^1$ ) معیاری است که ارزش پولی ناخالص سالیانه اختصاص یافته به خدمات عمومی را در بخش کشاورزی اندازه‌گیری می‌نماید. پرداخت‌های خدمات عمومی کشاورزی به تصمیم‌ها و فعالیت‌های فردی کشاورزان یا مصرف‌کنندگان ارتباط ندارد، زیرا این پرداخت‌ها بر دریافتی‌های مزرعه و هزینه‌های مصرف‌کننده تأثیری نمی‌گذارند(OECD، ۲۰۰۵). تحقیق و توسعه، مراکز

<sup>1</sup>-General Services Support Estimate



آموزش کشاورزی، مراکز خدمات بازرسی و معاینه، زیرساخت‌ها، بازاریابی و توسعه و ذخیره‌سازی عمومی محصولات کشاورزی از جمله موارد مورد نظر سازمان توسعه و همکاری‌های مشترک اقتصادی هستند که در قالب سیاست حمایت از خدمات عمومی جای می‌گیرند. برای مقایسه بین کشورها و ارزیابی این سیاست‌ها، سهم حمایت از خدمات عمومی از تولید ناخالص داخلی کشور به صورت رابطه (۱۰) تدوین شده است:

$$GSSE = \left( \frac{GSSE}{GDP} \right) \times 100 \quad (10)$$

معیار GSSE% نشان می‌دهد که در اثر افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) یا به بیان دیگر رشد اقتصادی در هر کشور، حمایت از خدمات عمومی بخش کشاورزی (GSSE) که یکی از سیاست‌های موثر در افزایش تولید و رفاه عمومی است، چه تغییری کرده است.

همان‌طور که مشاهده شده، نرخ ارز در محاسبه شاخص‌های حمایتی نقش دارد که موجب می‌شود سیاست‌های ارزی و تغییرات نرخ ارز به دو صورت بر مقدار حمایت از بخش کشاورزی محصولات منتخب اثرگذار باشد. بر این اساس، روش چنگ و اردن (۲۰۰۵)، سه نوع اثر با استفاده از روشی که برای محاسبه شاخص-ها بیان شد، تعریف می‌شود. نخست اثر مستقیم که بیشتر معلول سیاست‌های خاص بخشی<sup>۱</sup> بوده و در محاسبه آن از نرخ ارز بازار (E) استفاده می‌شود و بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بر اثر سیاست‌های در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. به‌طور مشابه، اثر کل که هم معلول سیاست‌های بخشی و هم معلول سیاست‌های ارزی است، با استفاده از نرخ تعادلی ارز (E\*) که تابعی از رفتار بلندمدت متغیرهای اقتصاد کلان است، محاسبه می‌شود. در نهایت، اثر سیاست‌های ارزی بر حمایت از بخش کشاورزی با استفاده از تفاضل اثر مستقیم از اثر کل که اثر غیرمستقیم نامیده می‌شود، به شکل رابطه (۱۱) نشان داده می‌شود.

$$\text{Indirect effect} = \%PSE_i(E^*) - \%PSE_i(E) \quad (11)$$

که در آن شاخص حمایت PSE% محصول i با استفاده از نرخ‌های ارز حقیقی (E) و تعادلی (E\*) محاسبه شده است و اثر انحراف نرخ ارز را بازتاب می‌دهد. شاخص‌های حمایت از مصرف‌کننده (CSE) و حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE) را نیز می‌توان بر اساس دو سناریوی نرخ ارز واقعی و تعادلی همانند PSE محاسبه نمود و اثر سیاست‌های ارزی را بر آنها ارزیابی کرد.

تا کنون چگونگی محاسبه شاخص‌های حمایت برای یک محصول بیان شد. برای محاسبه شاخص‌های حمایت کل بخش کشاورزی یا زیربخش‌های آن، ابتدا این شاخص‌ها برای تک‌تک محصولات منتخب که بیشترین حجم تولید بخش کشاورزی را دربردارند (در این پژوهش هفده محصول)، محاسبه می‌شود و سپس از مجموع حمایت از تولیدکنندگان (مصرف‌کنندگان) هر کالا، حمایت کل از تولیدکنندگان (مصرف‌کنندگان) بخش به دست می‌آید. حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE) نیز از مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان،

<sup>1</sup>Sector-specific policies





مصرف کنندگان و خدمات عمومی بخش کشاورزی محاسبه می شود.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌طور که در بخش اهداف بیان شد، در این مقاله‌های شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان زیربخش‌ها و بخش کشاورزی ایران و اثرپذیری آنها از سیاست‌های ارزی ایران در دوره ۹۰-۱۳۶۰ و برنامه پنج‌ماده ارزیابی می‌شود. داده‌های مورد نیاز برای این منظور با استفاده از منابع گوناگون گردآوری شده‌اند. مقادیر تولید، سطح زیرکشت، عملکرد و مقادیر مصرف نهاده‌های کشاورزی از وزارت جهاد کشاورزی و شرکت پشتیبانی امور دام، هزینه‌های حمل و نقل از سازمان حمل و نقل جاده‌ای، قیمت داخلی و جهانی حامل‌های انرژی از شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی و سازمان اوپک، مقدار واردات، صادرات و قیمت مرجع از گمرک جمهوری اسلامی، تسهیلات اعطایی بانک‌ها، نرخ ارز اسمی و شاخص قیمت مصرف‌کننده ایران از بانک مرکزی، نرخ‌های ارز حقیقی و تعادلی از محاسبات پایان‌نامه مهرپرور حسینی (۱۳۹۲)، یارانه‌های مصرفی و واکسن و داروی دامی از سازمان حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده و یارانه بیمه محصولات کشاورزی به دست آمده‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش برای بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (PSE/، CSE/ و TSE/)، آثار مستقیم، کل و غیرمستقیم در دوره جنگ و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۹۴-۱۳۶۰) محاسبه شد. در جدول (۱) میانگین شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان در زیربخش‌های زراعت، باغبانی، دامپروری و کل بخش کشاورزی آمده است.



جدول (۱) شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی (PSE%)

برنامه های توسعه	دوره	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
سال	۱۳۶۷-۱۳۶۰	۱۳۷۳-۱۳۶۸	۱۳۷۴-۱۳۷۸	۱۳۸۳-۱۳۷۹	۱۳۸۹-۱۳۸۴	۱۳۹۴-۱۳۹۰
درصد انحراف نرخ ارز	۳۷/۷۲	-۱۷/۳۸	۲/۶۴	۹/۵۱	-۹/۷۵	-۲۲/۱۰
اثر مستقیم	-۳۶/۲	-۳۰/۳	-۲۸/۳	-۰/۱	۱۱	۱۵/۷
اثر غیرمستقیم	۱۴/۴	-۱۲/۲	۱	۵/۲	-۱۰/۳	-۱۸/۹
کل	-۲۱/۸	-۴۲/۵	-۲۷/۳	۵/۱	۰/۷	-۳/۲
اثر مستقیم	-۲۱/۲	-۲۲/۸	-۲۲/۵	۲۶/۵	۴۰/۶	۲۹/۳
اثر غیرمستقیم	۲۰/۳	-۱۴/۷	۱/۲	۵/۲	-۱۴	-۱۹/۱
کل	-۰/۹	-۳۷/۶	-۲۱/۴	۳۱/۷	۲۶/۶	۱۰/۱
اثر مستقیم	-۶۲/۷	-۵۰	-۳۹/۸	-۲۳/۳	-۱۶	-۲۵/۸
اثر غیرمستقیم	۱۲/۲	-۱۰/۳	۰/۸	۴/۵	-۱۰/۱	-۱۷
کل	-۵۰/۵	-۶۰/۳	-۳۹	-۱۸/۸	-۲۶	-۴۲/۹
اثر مستقیم	-۲۳	-۲۴/۹	-۲۴/۶	-۶/۴	۸/۵	۳۰/۲
اثر غیرمستقیم	-۱۱/۷	-۱۰/۹	۰/۹	۵/۶	-۷	-۱۹/۳
کل	-۱۱/۳	-۳۵/۹	-۲۳/۷	-۰/۸	۱/۵	۱۰/۸

براساس نتایج، اثر مستقیم که با نرخ ارز حقیقی محاسبه می‌شود در زیربخش زراعت تا پایان برنامه دوم توسعه منفی بوده است. در برنامه سوم توسعه با بهبود قیمت‌گذاری محصولات زراعی در شورای اقتصاد و اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، تولیدکنندگان زیربخش زراعت حمایت شده‌اند و با ادامه اجرای این سیاست‌ها در



برنامه چهارم توسعه به طور میانگین ۴۰ درصد بیشتر از درآمد خود بدون اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی به دست آورده‌اند. اثر کل که حمایت از کشاورزان را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد، در پی بیش‌برآورد ارزش ریال در برنامه سومو اجرای سیاست‌های حمایت بخشی در برنامه چهارم و پنجم توسعه کشاورزان داخلی در مقایسه با رقبای جهانی حمایت شده‌اند. تداوم این روند که از برنامه سوم آغاز شده است در افزایش رقابت‌پذیری، خودکفایی، تأمین امنیت غذایی و رشد صادرات مؤثر است. تولیدکنندگان زیربخش باغبانی با وجود افزایش قیمت‌های داخلی و افزایش حمایت‌های بودجه‌ای برآمده از تفاوت قیمت داخلی و جهانی انرژی، در همه دوره‌ها مالیات پنهان پرداخت کردند. کاهش رقابت‌پذیری باغداران با تحمیل مالیات به آنان، کاهش درآمد صادراتی کشور را که یکی از مهم‌ترین منابع صادرات غیرنفتی است، در پی دارد. در زیربخش دامپروری با کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های تولید و اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز مالیات تحمیل شده به کشاورزان کاهش یافته و در برنامه چهارم توسعه روند حمایت از آنان براساس شاخص درصد اثرمستقیم افزایشی و به طور میانگین ۸/۵ درصد به درآمد آنان افزوده شد. شاخص اثر کل نشان می‌دهد در برنامه‌های اول و دوم توسعه به ترتیب ۳۶ و ۲۳ درصد از درآمد دامپروران در شرایط بدون اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی کاسته شد. پیش‌بینی می‌شود در برنامه پنجم توسعه با وجود کم‌برآورد ارزش ریال، دامپروران ایرانی ۱۰/۷ درصد بیشتر از رقبای جهانی دریافت کنند.

براساس شاخص اثرمستقیم تولید کل بخش کشاورزی، در دوره جنگ به دلیل ثبات قیمت‌های داخلی تولیدکنندگان ۳۶ درصد از درآمد خود را به شکل مالیات از دست داده‌اند. اما با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی در سال ۱۳۷۱ مالیات تحمیل شده بر تولیدکنندگان کاهش پیدا کرده و در برنامه سوم توسعه با کاهش دخالت دولت در بازارهای نهاده و محصول و توجه بیشتر به منافع تولیدکنندگان در تعیین قیمت تضمینی و اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ بر رقابت‌پذیری کشاورزان افزوده شد. اثر کل در برنامه اول توسعه بیشترین کاهش منافع تولیدکنندگان را نشان داده و در برنامه سوم توسعه با بیش‌برآورد ارزش ریال و اجرای سیاست‌های بخشی، تولیدکنندگان ۵/۱ درصد حمایت شده‌اند.

شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی که انتقال از تولیدکنندگان و مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی را نشان می‌دهد در جدول (۲) آمده است. در سال‌های جنگ و برنامه اول توسعه با ثبات قیمت‌های داخلی مصرف‌کنندگان زیربخش زراعت حمایت زیادی دریافت کردند. از سال ۱۳۷۶ با کاهش دخالت دولت در بازار محصولات زراعی حمایت از مصرف‌کنندگان کاهش پیدا کرد و در برنامه سوم توسعه با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز به کمترین حد رسید. اثر غیرمستقیم که علامت آن برای شاخص CSE عکس انحراف نرخ ارز است در برنامه‌های اول و چهارم توسعه به دلیل کم‌برآورد ارزش ریال حمایت‌کننده مصرف‌کنندگان زیربخش زراعت بوده است. شایان ذکر است بخش مهمی از حمایت از مصرف‌کنندگان زیربخش زراعت را یارانه گندم برای مصرف‌کنندگان در برمی‌گیرد. مصرف‌کنندگان زیربخش باغبانی در دوره جنگ



و برنامه اول توسعه به ترتیب ۶۸/۹ و ۶۱/۹ درصد ارزش مصرف این محصولات با قیمت‌های جهانی را به شکل یارانه دریافت کردند. یکی از دلایل اندک بودن قیمت‌های داخلی این محصولات ناتوانی تولیدکنندگان در عرضه محصولات خود در بازارهای مناسب (اعم از داخلی و جهانی) با قیمت بیشتر است که ضعف بازاریابی و بازرسانی بین‌المللی را نشان می‌دهد. در برنامه‌های توسعه بعدی با وجود نوسان، انتقال از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان کاهش پیدا کرد و در برنامه چهارم توسعه تنها ۲۳ درصد از هزینه‌های آنان کاهش پیدا کرد. اثر کل نیز روندی مشابه داشت. حمایت از زیربخش دامپروری تا پایان برنامه دوم توسعه نوسان اندکی داشت، اما در برنامه سوم توسعه با کاهش دخالت دولت در بازار محصولات دامی، با وجود افزایش یارانه‌های بودجه‌ای، حمایت از مصرف‌کنندگان کاهش پیدا کرد و پیش‌بینی می‌شود در برنامه پنجم توسعه ۵/۲ درصد به هزینه‌های آنان افزوده شود. اثر کل در دوره جنگ به دلیل اثر منفی بیش‌برآورد ارزش ریال بر حمایت از مصرف‌کنندگان زیربخش دامپروری برخلاف اثر مستقیم، حمایت کمتری از مصرف‌کنندگان را نشان می‌دهد که بیانگر اثرگذاری منفی متغیرهای بنیادین اقتصاد بر مصرف‌کنندگان محصولات دامی است. در برنامه‌های اول و چهارم توسعه سیاست‌های ارزی برای مصرف‌کنندگان محصولات دامی سودمند بود و اثر غیرمستقیم در این دو برنامه به ترتیب ۱۳/۷ و ۹/۶ درصد بود.

**جدول (۲) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی (CSE٪)**

برنامه‌های توسعه	دوره جنگ	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
سال	۱۳۶۰-۱۳۶۷	۱۳۶۸-۱۳۷۳	۱۳۷۴-۱۳۷۸	۱۳۷۹-۱۳۸۳	۱۳۸۴-۱۳۸۹	۱۳۹۰-۱۳۹۴
درصد انحراف نرخ ارز	۳۷/۷۲	-۱۷/۳۸	۲/۶۴	۹/۵۱	-۹/۷۵	-۲۲/۱۰
اثر مستقیم	۴۲/۸	۴۰/۴	۳۵/۸	۲۰/۳	۱۷/۹	۱۹
کل بخش کشاورزی	-۱۴/۱	۹/۱	-۱/۸	-۵/۷	۶/۵	۱۳/۲
اثر کل	۲۸/۷	۴۹/۴	۳۴	۱۴/۶	۲۴/۴	۳۲/۲
اثر مستقیم	۲۹/۳	۳۱/۲	۲۷/۶	۱۵/۷	۲۵/۲	۲۹/۴
زراعت	-۱۲/۴	۵/۷	-۱/۷	-۴/۲	۴/۱	۶/۶
اثر کل	۱۶/۹	۳۶/۹	۲۵/۹	۱۱/۶	۲۹/۳	۳۶
اثر مستقیم	۶۸/۹	۶۱/۹	۴۸/۲	۳۶/۲	۲۳/۱	۳۵/۸
باغبانی	-۱۲/۷	۷/۹	-۲/۱	-۶/۶	۷/۶	۱۴/۳
اثر کل	۵۶/۲	۶۹/۸	۴۶/۱	۲۹/۶	۳۰/۷	۵۰/۱
اثر مستقیم	۴۳/۴	۴۳/۷	۴۰/۹	۱۸/۱	۴	-۵/۲
دامپروری	-۱۸/۵	۱۳/۷	-۱/۴	-۷/۵	۹/۶	۲۲/۸
اثر کل	۲۴/۹	۵۷/۴	۳۹/۵	۱۰/۶	۱۳/۶	۱۷/۶



شاخص درصدی اثر مستقیم حمایت از مصرف کل بخش کشاورزی، در دوره جنگ، حمایت افزایشی از مصرف کنندگان را نشان می‌دهد. اما در برنامه‌های بعد با افزایش قیمت‌های داخلی حمایت از آنان با وجود نوسان، کاهش پیدا کرد. شاخص اثر کل نیز در همه دوره‌ها حمایت از مصرف کنندگان را نشان می‌دهد، به طوری که کمترین حمایت از آنان در برنامه سوم توسعه همزمان با اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز ۱۴/۶٪ بود. اثر غیرمستقیم در همه دوره‌ها کمتر از مقدار مطلق انحراف نرخ ارز است که نقش کمتر سیاست‌های ارزی را در بازار محصولات کشاورزی و حمایت از کنشگران بازار را به دلیل بسته بودن بازار و دخالت دولت در آن آشکار می‌کند.

بر اساس نتایج جدول (۳)، شاخص حمایت از خدمات عمومی در بخش کشاورزی که به شکل ارزش و سهم از تولید ناخالص داخلی کشور گزارش می‌شود، در سه دهه مورد بررسی ۸۹-۱۳۶۰ با وجود نوسان، افزایشی بوده است. به طوری که در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، از ۲۶۱۳ میلیارد ریال در دوره جنگ به ۶۳۹۷ میلیارد ریال در برنامه چهارم توسعه افزایش یافته است. سهم این نوع حمایت‌ها از تولید ناخالص داخلی کل کشور، به طور میانگین ۰/۴۱ درصد و نوسانی بوده است. نوسان شدید در تخصیص بودجه، از آنجا که خدماتی چون توسعه زیرساخت‌ها، خدمات آموزشی و ترویجی، ماشینی کردن، توسعه و تجهیز انبارها و صنایع بالادستی و پایین دستی، ایجاد مراکز کنترل کیفیت و بهبود بازاریابی، فرایندی بلندمدت است، توسعه بخش کشاورزی را کند و حتی نامتوازن می‌کند.



### جدول (۳) شاخص‌های حمایت از خدمات عمومی و حمایت کل از خدمات بخش عمومی و تولیدکنندگان بخش

#### کشاورزی (TSE)

برنامه های توسعه	دوره جنگ	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
سال	۱۳۶۰-۶۷	۱۳۶۸-۷۳	۱۳۷۴-۷۸	۱۳۷۹-۸۳	۱۳۸۴-۸۹	۱۳۹۰-۹۴
درصد انحراف نرخ ارز	۳۷/۷۲	-۱۷/۳۸	۲/۶۴	۹/۵۱	-۹/۷۵	-۲۲/۱۰
GSSE	۰/۴۷	۰/۵۴	۰/۳۴	۰/۳۵	۰/۳۲	۰/۳۱
هزار میلیارد ریال	۲/۶	۳/۸	۳/۱	۴/۶	۴/۶	۴/۸
زراعت	اثر مستقیم	۲۹/۶	۲۷/۹	۲۲/۴	۴۱/۷	۶۰/۲
	اثر کل	۲۲/۹	۲۸/۹	۲۲	۳۷	۶۰/۵
TSE (هزار میلیارد ریال)	اثر مستقیم	-۱/۱	-۰/۵	-۰/۳	۳/۷	۰/۸
	اثر کل	-۰/۸	-۵/۴	-۲/۱	۲/۸	-۲/۴
به قیمت ثابت (سال ۱۳۸۴)	اثر مستقیم	۲۸/۱	۲۷/۲	۲۰	۱۰/۲	۱۰
	اثر کل	۱۴	۴۱/۷	۲۲	۷/۹	۱۳/۹
کل بخش کشاورزی	اثر مستقیم	۵۹/۲	۵۸/۴	۴۵/۲	۶۰/۲	۷۷/۳
	اثر کل	۳۸/۷	۶۹/۱	۴۴/۹	۵۲/۳	۷۸/۴
سهم از کل بخش کشاورزی (%GDP)	اثر مستقیم	۱۰/۸	۹	۵	۴/۵	۳/۹
	اثر کل	۷	۹/۷	۴/۹	۳/۹	۳/۹

مجموع حمایت از تولیدکنندگان، مصرف کنندگان و خدمات عمومی بخش کشاورزی بیانگر شاخص حمایت کل (TSE) از بخش کشاورزی است. در جدول (۳) شاخص حمایت کل از زیربخش‌های زراعت، باغبانی، دامپروری<sup>۱</sup> و کل بخش کشاورزی و شاخص حمایت از خدمات عمومی (GSSE) آمده است. سهم شاخص TSE کل بخش کشاورزی و GSSE از تولید ناخالص داخلی کشور نیز برای مقایسه این حمایت‌ها با حجم کل اقتصاد کشور گزارش شده است.

شاخص اثر مستقیم TSE زیربخش زراعت با وجود نوسان، نشان دهنده روند افزایشی حمایت از این زیربخش است. این شاخص در برنامه سوم توسعه در پی افزایش حمایت از تولیدکنندگان رشد چشمگیری داشته است. پیش‌بینی می‌شود با افزایش حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان در برنامه پنجم توسعه حمایت کل از زیربخش زراعت به ۷۷/۵ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ افزایش پیدا کند که شیوه بهره‌مندی و سهم

<sup>۱</sup> در محاسبه شاخص‌های TSE زیربخش‌های کشاورزی، شاخص GSSE لحاظ نشده است.



تولید کنندگان و مصرف کنندگان هر محصول از آن متفاوت است. شاخص حمایت کل از زیربخش باغبانی با استفاده از نرخ ارز حقیقی برای تبدیل قیمت‌های جهانی با نوسان زیادی در برنامه‌های توسعه همراه بوده است. در دوره جنگ و برنامه‌های اول و دوم توسعه با وجود حمایت زیاد از مصرف کنندگان و حمایت‌های بودجه‌ای در بخش تولید از کنشگران زیربخش باغبانی مالیات پنهان دریافت شده است. در برنامه سوم توسعه در پی کاهش شدید قیمت نفت و لزوم توجه به صادرات غیرنفتی که محصولات باغی سهم زیادی از آن را در برمی‌گیرد، حمایت از زیربخش باغبانی افزایش پیدا کرد. میانگین اثر کل تنها در برنامه سوم توسعه همزمان با کاهش دخالت دولت در بازار محصول و اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز، حمایت کننده زیربخش باغبانی بود. براساس نتایج اثر مستقیم و اثر کل، به نظر می‌رسد اثر منفی سیاست‌های ارزی بر تولید و مصرف زیربخش باغبانی بیشتر است، زیرا اثر کل در چهار برنامه توسعه کمتر از اثر مستقیم است. شاخص اثر مستقیم حمایت کل از زیربخش دامپروری در برنامه‌های توسعه روند کاهشی داشته است که نشان می‌دهد با کاهش دخالت دولت در بازارهای نهاده و محصولات دامی، براساس جدول‌های (۱) و (۲) یارانه دریافتی تولید کنندگان افزایش یافته و مصرف کنندگان ناگزیر از پرداخت مالیات شده‌اند که مازاد منافع به دست آمده توسط کشاورزان در این شرایط در مقایسه با مازاد منافع مصرف کنندگان پیش از اجرای این سیاست‌ها کمتر بوده است.

از آنجا که شاخص TSE تنها برای زیربخش باغبانی در بیشتر سال‌ها منفی بوده است این شاخص برای کل بخش کشاورزی در همه سال‌ها نشان‌دهنده دریافت یارانه است. در برنامه سوم توسعه با حمایت همزمان از تولید کنندگان و مصرف کنندگان اغلب محصولات و افزایش حمایت‌های بودجه‌ای، حمایت از بخش کشاورزی رشد چشمگیری داشت و در برنامه چهارم توسعه به ۷۷/۳ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ رسید. در شرایط برقراری نرخ ارز تعادلی اقتصاد نیز حمایت کل از بخش کشاورزی در برنامه سوم توسعه افزایشی بود و در برنامه چهارم توسعه با وجود نوسان به طور میانگین، بیشترین حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان صورت پذیرفت. با توجه به دریافت مالیات پنهان از تولید کنندگان در پی کم‌برآورد ارزش ریال در برنامه چهارم توسعه، پرداخت یارانه به کل این بخش به دلیل حمایت از مصرف کنندگان بود که در بلندمدت تضعیف تولید، نیاز به واردات و در نهایت کاهش منافع مصرف کنندگان را به دنبال دارد. سهم حمایت بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کشور در سال‌های پس از جنگ کمتر از ۱۰ درصد نوسانی بوده و در دوره جنگ به دلیل کاهش تولید ناخالص داخلی کشور ۱۰/۸ درصد بود. شاخص TSE محاسبه شده با نرخ ارز تعادلی در بیشتر سال‌ها، به جز برنامه اول توسعه کمتر از اثر مستقیم است که بیانگر تأثیر بیشتر اثر منفی سیاست‌های ارزی بر حمایت از بخش کشاورزی است. در ادامه براساس نتایج حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان در زیربخش‌ها و کل بخش کشاورزی، پیشنهادهایی به منظور بهبود حمایت‌ها با استفاده از ابزارهای حمایتی مناسب ارائه می‌شود:

تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت کننده یکدیگر باشند، به هم‌افزایی می‌انجامد و



با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. روند افزایشی شاخص‌های حمایت از کل بخش کشاورزی TSE به ویژه در برنامه سوم توسعه در پی بهبود حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی اهمیت تنظیم سیاست‌ها با هدف حمایت همزمان از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را آشکار می‌کند. حمایت از هر دو گروه کنشگران بازار محصولات کشاورزی و توزیع عادلانه منافع میان دو گروه با کاهش زیان اجتماعی و تقویت آنان به توسعه بخش و کاهش نیاز به واردات محصولات کشاورزی می‌انجامد. چنانچه براساس آمار گمرک ایران، با بهبود حمایت از تولیدکنندگان محصولات دامی در دهه ۱۳۸۰ واردات محصولات این زیربخش کاهش پیدا کرد. با توجه به شرط عضویت سازمان جهانی تجارت مبنی بر کاهش حمایت‌های قیمتی داخلی، تأکید بر الگوی سیاستی حمایت‌های یوده‌ای از جمله بیمه درآمدی و جواز صادراتی و تنوع سیاستی، افزون بر کاهش دخالت مستقیم دولت در بازار محصول، موجب حفظ انگیزه تولیدکنندگان برای تولید و تأمین نیاز مصرف داخلی می‌شود و در نهایت امکان رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. به کارگیری حمایت‌های متنوع از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی نیز افزون بر اثرهای اجتماعی با تقویت طرف تقاضا موجب رشد بازار داخلی برای تولیدکنندگان می‌شود.

براساس نتایج، تنها در زیربخش زراعت هدف برنامه پنجم توسعه مبنی بر حمایت ۳۵ درصدی از بخش کشاورزی (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۹) محقق می‌شود و در کل بخش کشاورزی، به ویژه زیربخش باغبانی فاصله زیادی با این هدف وجود دارد. از این رو پای‌بندی به اجرای همه جانبه و متوازن قوانین برنامه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین توصیه می‌شود، افزایش حمایت از زیربخش باغبانی با توجه به مزیت صادراتی این زیربخش در حالی که حمایت از آن منفی است، در اولویت قرار گیرد.

با توجه به این که عوامل مختلفی بر تعیین نرخ ارز واقعی اثر دارند و تعیین دستوری نرخ ارز سبب ایجاد انحراف در این نرخ شده و علائم غیرواقعی در اقتصاد ایجاد می‌نماید، پیشنهاد می‌شود از تعیین دستوری نرخ ارز خودداری گردد. با توجه به هماهنگی حمایت‌ها با سیاست‌های ارزی، مناسب است، این سیاست‌ها به گونه‌ای طراحی شود که نرخ واقعی ارز را به سمت سطح تعادلی بلندمدت خود سوق دهد. بر اساس تجربیات کشورهای مختلف و اقتصاد ایران به نظر می‌رسد نظام ارزی مناسب برای تشویق صادرات غیر نفتی در شرایط کنونی، یک نظام شناور مدیریت شده باشد. البته باید توجه نمود که برقراری نظام شناور ارزی باید همراه با اجرای مجموعه‌ای از اصلاحات در نظام مالیاتی، پولی، حذف مقررات زاید صادرات و واردات، از بین بردن انحصارات و رانت‌ها، شفاف کردن قواعد سرمایه‌گذاری، همراه با احتیاط و پیشگیری از انتقال نوسان‌های سریع قیمتی به تولیدکنندگان و صادرکنندگان باشد. پیشاپیش همه سیاست‌ها با توجه به ریسک طبیعی بالای فعالیت‌های کشاورزی، ثبات قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها، حداقل برای یک برنامه توسعه ضرورت دارد تا سیاست‌های ارزی، بخشی، پولی و تجاری کشور با کنترل واردات و تقویت تولید و صادرات به پویایی و توانمندسازی بخش کشاورزی کمک کند.





## منابع

۱. اتقایی، م. (۱۳۸۹)، برآورد نرخ ارز تعادلی و بررسی اثر احتمالی آن بر شاخص حمایت از تولیدکننده بخش کشاورزی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران.
۲. برقندان، ا و ب. نجفی (۱۳۸۹)، «اثر انحراف نرخ ارز بر شاخص حمایت از تولیدکننده بخش کشاورزی در ایران»، مجله پژوهش‌های نوین اقتصاد کشاورزی، جلد ۲، شماره ۱، ص ۱۵-۳۴.
۳. پریزن، و. و بخشوده، م. (۱۳۸۷)، «نقش حمایت‌های دولت در درآمد تولید کنندگان و مخارج مصرف کنندگان گندم و برنج در ایران»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، جلد ۳۴، شماره ۱.
۴. حسینی درویشانی، س.م. (۱۳۸۲)، «بررسی و مقایسه سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی ایران و جهان»، همایش کشاورزی و توسعه ملی، کشاورزی و جهانی شدن اقتصاد.
۵. حسینی، س.ص. (۱۳۸۵)، «الگوهای اقتصادی تحلیل قیمت و سیاست کشاورزی»، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۶. سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۸۹)، «قانون برنامه پنجم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۷. قانع شیرازی، ا. (۱۳۸۵)، تحلیل سیاست‌های حمایتی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و تأثیر آن بر بازار داخلی ایران، مطالعه موردی گندم، جو، پسته و خرما، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۸. کیانی‌راد، ع. (۱۳۸۶)، «برآوردهای حمایت از بخش کشاورزی (PSE) در کشورهای در حال توسعه: مشکلات اندازه‌گیری و رهیافت‌ها برای ایران»، مجله اقتصاد و کشاورزی، جلد اول، شماره ۲، ص ۹۴-۸۱.
۹. موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۸۴)، «فرایند تحول سیاست‌های کشاورزی در ایران (به انضمام تجارب سایر کشورها)»، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، مدیریت امور پردازش و تنظیم یافته‌های تحقیقاتی.
۱۰. مهرپرور حسینی، ا. (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر تراز تجاری کشاورزی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۱. واعظی، ل. و یزدانی، س. (۱۳۸۵)، «بررسی سیاست‌های حمایتی دولت از تولید و مصرف گندم در ایران»، اقتصاد کشاورزی، جلد ۲، شماره ۲.
12. Cheng, F. (2005), «Effects of Exchange Rate Misalignment on Agricultural Producer Support Estimates: Empirical Evidence from India and China», Dissertation submitted to faculty of Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy In Economics.
13. Gopinath, M., K. Mullen, and A. Gualti. (2004), «Domestic Support to Agriculture in the European Union and the United States: Policy Developments since 1996», International Food Policy Research Institute, MTID Discussion Paper No. 75.
14. Hosseini, S. S. And Torshizi, M. (2011), «Pursuing International Competitiveness in Iranian Wheat Policy», International Journal of Agricultural Management & Development, 1(3): 169-179.
15. Josling, T and A. Valdés (2003), «Agricultural Policy Indicators», Draft Report to the Food and Agriculture Organization, October 10.



16. Kvasha, s. O, Luka. & o, Zhemoyda. (2006), «Effects of exchange rate misalignment on agricultural producer support estimates for Ukraine», Abstract to a contributed paper presented at the IAMO Forum. Halle, Germany, June 29-30.
17. Kwiencinski, A. and F. V. Tongeren (2007), «Quantitative evaluation of a decade of agricultural policies in china: 1995-2005», OECD's Trade and Agricultural Directorate, With Statistical and research Support from Ms.
18. Liefert, W., D. Sedik, R. Koopman, E. Serova and O. Melyukhina (1996), «Producer Subsidy Equivalents for Russian Agriculture: Estimation and Interpretation», American Journal of Agricultural Economics 78, pp. 792-798, August.
19. OECD (2002), «Methodology for the measurement of support use in policy evaluation», OECD, Paris.
20. OECD (2005), «Agricultural Policies in OECD Countries, Monitoring and Evaluation», OECD, Paris.
21. OECD (2007), «Agricultural policies in non-OECD countries: Monitoring And Evaluation», OECD, Paris.
22. Orden, D., Mullen, K, Sun, D. and Gulati, A. (2004), «Agricultural Producer Support Estimates for Developing Countries Measurement Issues and Evidence from India, Indonesia, China, and Vietnam», International Food Policy Research Institute, Research Report Abstract, 152.
23. Portugal, L. (2002), «Methodology for the Measurement of Support and Use in Policy Evaluation», OECD, Paris.